

## يك بیماری روحی !

( نوپرستی افراطی )

✽ جدال نو و کهنه ...

✽ بلای مدپرستی

✽ افتضاحی که مد «خمرهای» بیار آورده بود .

✽ نظر اسلام درباره لباس مردان و زنان .

جدال نو و کهنه - جنگی که امروزه میان «کهنه و نو» در گرفته خود امر نوی نیست بلکه ریشه عمیقی دارد، و شاید این حقیقت در اولین مراحل زندگی بشر خود نمایی میکرده است، دنیائی که این نزاع نو و کهنه در او واقع شده بیک حال و وضع باقی نمانده بلکه خودش دائماً در تغییر و تبدیل بوده و هست ذرات بدن انسان دائماً در تحول است کهنه ها از میان رفته تازه ها و نوها جانشین آنها میگردند .

تازه جوئی یکی از خصائص روحی انسان است گوش و چشم مادیات تازه ها میگردد، میخواهد چیزهای تازه را تماشا کند حرفهای شنیده را بشنود، از کهنه ها ملول میگردد، روان ما برای رسیدن به حقیقت و امر تازه در قفس سینه در تکاپوست همین روح تازه جوئی است که پایه و اساس اولیه تکامل و پیشرفت های بشری میباشد.

ولی نباید از این نکته غفلت کرد که این خوی و خالق مانند سایر تمایلات انسانی نباید بوسیله قوای عقلانی تبدیل گردد . . . اگر کنترل و تحدیدی در احساسات انسانی بعمل نیاید وجود مادچار انحرافات روحی خواهد شد، بسیاری از بدبختی های اجتماعی و فردی ما مرهون «سرکشی و طغیان های» عواطف بشری است، خودپرستی و شهوت ازغرائز اولیه بشریت و زندگی است ولی معهدان نمیتوان انکار کرد که اگر خودپرستی و شهوت ازمدار اعتدال خارج شده باشد علاوه بر آنکه نفع و سودی نخواهد داشت بلکه موجب تحقق رسوائی ها و آلودگی ها خواهد بود .

حسن تازه طلبی و نوپرستی در اجتماع ما از میزان اعتدال خود تجاوز کرده و بصورت

«يك بیماری خطرناك» درآمده است . . . بسیاری از اصول اخلاقی و سنن ملی و دینی که در سابق مورد احترام ما بود در اثر همین حس تجدد طلبی ازمیان رفته و با در شرف از بین رفتن است . . . يك نگاه کوتاهی باوضع فردی و اجتماعی این حقیقت را بخوبی روشن و هویدا میسازد که تاچه میزانی حس اعتمادما لطمه خورده کور کورانه در بسیاری از شئون خود تغییر و تبدیل داده ایم . . . این تجدد پرستی از اباس م شروع شده تمام اوضاع زندگی ما را فرا گرفته است امروزه وضع غذا خوردن و رفت و آمدها و مجالس مهمانی و اصول معاشرت ها بلکه طرز خانه ساختن ها همه و همه تغییر و تحول یافته است .

حتی کیفیت عروسی و عزاداری از این تحول محفوظ و مصون نمانده است همه برنك تمدن عصری درآمده است . . . از اینها گذشته امروزه یکی از همین کارهای ناروا و غلط اینست که تازگی ها در میان خانواده های اعیان و متوسط باب شده که برای اظهار تفاخر و بزرگی فرزندان خود را برای ادامه تحصیلات بمالك خارجه میفرستند و در این کار بقدری روح تجدد خواهی راه یافته که اصالت و واقعیت آن از نظر هاپنهان مانده فقط بهمان جنبه های صوری آن اکتفا شده است . . . برای آنها فرق نمیکند که فرزندان شان در ممالك خارجه درس بخوانند یا آنکه کار دیگر انجام دهند . البته کسی با ادامه تحصیلات و کسب معلومات و خارجه رفتن مخالفتی ندارد ولی نمیتوان این موضوع را نادیده گرفت که بسیاری از این خارجه فرستادن ها جنبه شریفتی بخود گرفته و بصورت یک نوع تبختر و تفاخر در آمده است .

### شعر نو

همه چیز زندگی مادر ممرض تحول قرار گرفته است و برای اینکه گوشه کوچکی از این آلودگی و میزان آن روشن گردد خاطر ارجمند خوانندگان را متوجه این نکته مینمائیم روح تازه پرستی آنقدر در مائر کرده که جمعی از طبقه اهل فضل و دانش این مملکت در فراموش کردن سنن گذشته و توجه باصول نوظهور عصری آنقدر راه مبالغه را در پیش گرفته اند که علم مخالفت را بدست گرفته باشعار سمدی و حافظ تاخته در برابر شعر آنان اشعار تازه ای بنام شعر نو ساخته و پرداخته اند این اشعار از قید «وزن» و «قافیه» نجات یافته است و عناوینی مانند «حییغ بنفش» ! و «غار کبود» ! در این اشعار بچشم میخورد . البته در این مقاله مانخواستیم بطرفداری یکی از این دو جناح بپردازیم ولی منظور نشان دادن این نکته است که تاچه حدی تجدد طلبی در روح ما رسوخ کرده است .

هیچکس نمیتواند انکار کند که تعالی و پیشرفت بشر وابسته حس نوجویی است و کسی ادعا نمیکند که میباید در عصر دانش و تمدن مردم مانند گذشته بالاغ و شتر به مسافرت رفته

ودر خانه‌های گلی و خشتی زندگی کنند بلکه منظور اینست که بسیاری از مسائل مادی دنیا تحول پذیرفته و روز بروز زندگی مادی. دگرگون میشود ولی این تحول و دگرگونی در مادیات نمیتواند مجوزی برای تحول در همه چیز گردد.

بعبارت دیگر برخی از امور تحول پذیراست، دبروز بصورتی انجام میگرفت و امروز بطرز دیگری صورت می‌پذیرد و روی همین حساب فردا نیز بشکل تازه تری انجام خواهد گرفت، ولی بسیاری از مسائل زندگی و اخلاقی است که اصولاً تحول پذیر نیستند، مثلاً با کد امنی و درستی و راستی و امانت و وفا و نظائر این اخلاقیات همه مساملی هستند که دنیای گذشته و امروز و آینده نمیتواند از آنها بی‌نیاز باشد زندگی اصیل و شرافتمندان در گرو عواطف انسانی است.

روزی که بشر در دل غارها زندگی میکرد و اجتماعات آنها از عده معدودی تجاوز نمیکرد محتاج روشهای اخلاقی بود و بشر در امروز و فردا نیز بآنها نیازمند است اگر روزی مردم جهان خانه و زندگی را از گره زمین بکرات دیگری تغییر و تبدیل دهند و وسائل زندگی مادی تحول پذیرد نمیتوانند مسائل اخلاقی را کهنه دانسته بدوران خط بطلان بکشند چه مسائل اخلاقی همیشه تازه و زنده است هیچگاه کهنه نمیکرد صفحیات تاریخ گواهی میدهد که تعالی و انحطاط ملت‌ها و کشورها ارتباط مستقیمی با مللکات روحی و اخلاقیات مردم کشورها داشته است فقر اخلاقی است که شکست‌های دیگری را بوجود می‌آورد.

### بلای مدپرستی!

این بیماری تازه جوئی در طبقه زنان و دختران اجتماع ما بیشتر ریشه دوانیده است. قوای عاطفی و ذوقی در زن بیشتر از مرد وجود دارد و آنچه مسلم است اینست که پیوند و ارتباط خاصی میان قوه عاطفه و حس تازه جوئی وجود دارد.

در اجتماع ما بسیاری از زنان بجای اینکه رسوم و آداب ملی و سنن دینی خود را نگهداری کرده بهمین وسیله «استقلال فکری و ملی» خود را تقویت کرده باشند یکباره پشت پا با اصول اخلاقی و دینی زده خود و آداب زندگی خود را منطبق با اوضاع زنان غربی بالاخص هنر پیشگان نموده‌اند؛ طرز معاشرت و برخورد با دیگران نوع لباسها و... را از آنان می‌آموزند و بعبارت دیگر هر چه مدپرستی دستور آن را داد بدون چون و چرا می‌پذیرند خواه این مدپرستی با وضع ملی و دینی سازگار باشد و یا نباشد، با اخلاق و عفت عمومی میانه داشته باشد یا نداشته باشد.

یکروز دنبال «مد کیسه‌ی» رفته و خود را در کیسه پنهان می‌سازد روز دیگر دنبال «مد

دوزنقه» میدود هنوز از رنج کیسه و دوزنقه نیا سوده خود را گرفتار «مدخمرهای» می باید و بقول شاعر هر لحظه بشکلی بت عیار در آمد؛ .. آری برخی از زنان ایرانی تمام فکر خود را مصروف مدل های تازه نموده اند غافل از اینکه طراحان مدل های لباس باین عمل جیب های خود بلکه کیسه های خود را از مدل های کیسه ای و خمرهای مملو نموده اند . باید با این طبقه از بانوان که نوعاً ادعای فضل و دانش مینمایند قدری سخن گفت و از آنها پرسید: ... آیا این بانوان میدانند در سال چه مقدار از پول های خودشان و با همسرشان صرف این مدل پرستی میگردد؟ ... آیا پدران و شوهران با کمال میل و رغبت این پول را میدهند؟ یا آنکه برای تهیه کردن آن مجبورند مقدار زیادی از وجدان و اخلاق خود را پایمال سازند؟

آیا منظور اصلی و اساسی از لباس پوشیدن رعایت خودنمایی است؟ آیا این گروه از زنان نمیدانند که منظور اصلی از پوشیدن لباس رعایت اصول بهداشت و سلامتی تن است باید پارچه لباس و طرز دوخت آن طوری باشد که پوشنده آن از نظر جسمی و روحی در عذاب و ناراحتی نباشد و از همین جا بدست میآید که روی اختلاف اندامها و مزاجها نمیتوان برای همه زنان یکنوع لباسی را پیشنهاد کرد؛ چه ممکن است لباسی برای عده ای خوب باشد ولی برای عده دیگری زیان آور باشد .

چه بسیارند از بانوانی که برای اینکه از قافله تقلید و مد پرستی عقب نمانند باشند لباسهایی در بر میکنند که صد درصد برای وضع مزاجشان زیان آور است ، بلی منظور پیروی از سنن تمدن عصری است خواه زیان بخش باشد یا نباشد ؛

بعقیده ما اگر این عده از زنان و دختران اجتماع مانیروئی را که برای این مد پرستی از خود به صرف میرسانند اگر بکصدم آنها برای یاد گرفتن آداب زندگی و دستورات خانه - داری و شوهر داری و با تربیت و پرورش کودک بکار میبرند وضع اجتماعی و کانون های زندگی ما به مراتب بهتر از وضع کنونی میشد .



### افتتاحی که مد «خمرهای» داشت بهار میآورد

در اطلاعات بانوان شماره (۷۰) چنین نوشته بود که یک روز عصر خانم جوانی در حالیکه بپراهن مد «خمرهای» بر تن داشت برای خرید به خیابان لاله زار رفته بود وضع لباس او طوری بود که کنجکاوای عابرین را برانگیخته بود مردم دورش جمع شده بودند عده ای متلک میگفتند و مسخره میکردند و عده دیگری ناسزا میگفتند و بر این طرز لباس پوشیدن و بیرون آمدن اعتراض داشتند؛ لحظه بلحظه بر تعداد جمعیت می افزود بطوریکه

عبور و مرور قطع شده خانم خمره بوش! اجباراً بیک مغازه پناه برده بود ولی مردم دست بردار نبودند و اگر مأمورین انتظامی مداخله نمی‌کردند و جمعیت را متفرق نمی‌ساختند شاید خانم مدیرست‌جان خود را بر سر خمره می‌گذاشت.

### نظر اسلام درباره لباس مردان و زنان

هیچ دین و آئینی باندازه اسلام بزندگی اجتماعی مردم توجه نداشته است و این اسلام است که سعادت و زندگی دنیوی را نادیده نگرفته در سلامتی روحی و جسمی مسلمانان اهتمام بسیار داشته است. مثلاً اسلام در همین موضوع لباس بقدری دقت کرده که اصولاً تمام جهات مختلفه آن را در نظر گرفته است و علاوه بر اینکه از نظر دوخت و شکل و اصل پارچه و نظافت آن دستوراتی داده است فرموده لباس نباید در درجه اول نظیف و پاکیزه باشد از این گذشته باید بطوری باشد که گرفتگی و ناراحتی روحی وجود نیابد و علی‌السلام میفرماید: *الغظیف من الشیاب ینذهب الهمم و الحزن یعنی جامه پاکیزه غم و اندوه را از دل زایل می‌گرداند البته اگر ما بخواهیم بشمام خصوصیتی که اسلام درباره لباس زن و مرد فرموده اشاره کنیم از مدار بحث خارج شده ایم ولی برای اینکه نظریه اسلام تا اندازه‌ای روشن گردد با اصول کلی آن اشاره مینمائیم:*

در درجه اول باید دانست که اسلام هیچ نوع مخالفتی با زیباپوشی ندارد چه بسیار است روایاتی که دستور میدهد که مرد مؤمن و مسلمان اظهار تجمل نموده جامه زیبا و تازه در بر کند در کتاب وسائل دارد که رسول اکرم (ص) فرمود: *البس و تجمل فان الله جمیل یحب الجمال* امام جعفر صادق (ع) فرمود: *... ان الله تعالی یحب الجمال و التجمل و یکره البؤس و التباس و ان الله تعالی اذا انعم علی عبد نعمه احب ان یری علیه اثرها قیل و کیف ذلک؟ قال ینظف ثوبه و یطیب ریحه و یجصص داره و یکنس افئیته.*

خداوند زیبایی را دوست و گرفتگی را ناخوش دارد هر گاه پروردگار نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی داشت دوست دارد آثار این گشایش آشکار و نمایان باشد، پرسیدند چگونه آثارش را ظاهر سازد؟ فرمود جامه خود را پاکیزه کرده؛ بوی خوش استعمال کند، خانه و دیوار آن را بصورت خوبی پاکیزه و نظیف کرده باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود هر چه درباره استعمال بوی خوش صرف شود اسراف نخواهد بود، این بود قسمتی از دستورهای اسلام درباره بوی خوش؛ اما راجع بعد و حدود و شرائط آن بعداً سخن خواهیم گفت.